

خط مقدم

واحد فرهنگی، اجتماعی پردیس علامه طباطبایی لرستان خط مقدم / سال پنجم / بهمن ماه ۹۹



پیام آمد



یادداشت سردبیر نشریه

عرض سلام و ارادت خدمت شما مردم شریف ایران زمین، که منت بر سر ما نهاده و افتخار خواندن نشریه را به ما می دهید و مفتخریم که با لطف مداوم خدای منان و عنایات شما عزیزان در سری قبلی نشریه خط مقدم، به رکوردی فوق العاده در مطالعه نشریه دست پیدا کردیم که از این بابت از محضر شما سپاسگزاریم...

اینجانب وظیفه خود می دانم که از صمیم قلب خسته نباشید و خداقوتی جانانه به حافظان سلامت که در حدود یکسال گذشته با تلاشی وافر و با سرمشق گیری از ائمه چهارده معصوم علیهم السلام بالاختصاص سرور و سالار شهیدان امام حسین (ع) و همه ی شهدای طول تاریخ اسلام از جمله رزمندگان هشت سال دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم بدون هیچ چشم داشتی جان خود را که ارزشمند ترین متاع آدمی در این دنیا است را در طبق اخلاص نهاده و مخلصانه و متعهدانه در حال فداکاری هستند و تا پای جان و با ترک مادیات مصداقی برای سخن شیوای لسان الغیب حضرت حافظ می باشند و با شستن مس وجود به کیمیا که همان گوهر شهادت در راه خداست دست یابند...

«دست از مس وجود چو مردان ره بشوی ... تا کیمیای عشق بابی و زر شوی»

و در آخر فرا رسیدن ایام پیروزی حق بر باطل، دهه آزادی و استقلال، دهه مبارکه فجر و پیروزی را به شما ملت غیور ایران زمین تبریک و تهنیت عرض می نمایم...

امیدوارم در کمال صحت و سلامت در این ایام کروناپی با رعایت صد درصدی تمامی پروتکل های بهداشتی از شر این ویروس منحوس راحت شده و گام های پایانی نبرد با این ویروس منحوس را در کنار یکدیگر مستحکم و استوارتر برداریم تا به پایانی مبارک نزدیک و نزدیک تر شویم...

ارادتمند شما مبین بابایی

مرد قرن کیست؟

سید روح الله موسوی خمینی، در شناسنامه سید روح الله مصطفوی که در بین طرفداران به «امام خمینی» شهرت دارد، اولین رهبر و ولی فقیه ایران و از مراجع تقلید شیعه بود که انقلاب ۱۳۵۷ ایران را رهبری و در پی آن، جمهوری اسلامی را از راه همه پرسی، بنیان گذاشت، و تا پایان عمر، آن را رهبری کرد. روح الله موسوی خمینی، اول مهرماه ۱۲۸۱ خورشیدی (۲۴ سپتامبر سال ۱۹۰۲ میلادی) در خانواده ای اهل دانش و با نفوذ در خمین به دنیا آمد. به نوشته باقر معین، خمینی در خانواده ای به دنیا آمد که سابقه فعالیت های دینی و مذهبی در آن وجود داشت و به قرن ها قبل برمی گشت. معین می نویسد، خاندان او «سید موسوی» بودند، به این معنی که نسب شان به پیامبر اسلام و از طریق دختر او فاطمه و نیز به هفتمین امام شیعیان، موسی کاظم برمی گشت. روح الله خمینی تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در نوجوانی و آغاز جوانی در مکتب محلی و مدرسه ای در خمین گذراند. احمد خمینی گفته است که پدرش در دوران کودکی خیلی بازیگوش بود و دچار شکستگی های متعدد شده بود و همیشه در خاک کوی و آب جوی مشغول بازی بود. جوانی سید روح الله خمینی را می توان از زمان مهاجرت او به حوزه علمیه اراک برای تحصیلات تکمیلی (آغاز سده چهارده خورشیدی) تا سن چهل سالگی وی (آغاز دهه بیست) دانست. روح الله در سال ۱۳۰۸ هجری خورشیدی با خدیجه ثقفی دختر میرزا محمد ثقفی تهرانی ازدواج کرد. برخلاف سنت رایج چند همسری و متعه در بین روحانیان آن زمان، خمینی هیچگاه همسر دیگری و متعه اختیار نکرد و برخلاف رسم آن زمان خمینی در امور منزل به همسرش کمک می کرد. حاصل این ازدواج، دو پسر و سه دختر به نام های مصطفی، احمد، زهرا، صدیقه و فریده بود.

حیات سیاسی و اجتماعی بزرگ مرد قرن

در ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۲۳ و در اوضاع آشفته و فضای آزادی نسبی پس از رضا پهلوی، امام در پیامی به ملت، از قیام برای خدا صحبت کرده اند و آن را تنها راه اصلاح دو جهان نامیده اند. در همین سال در پاسخ به شبهات کتاب اسرار هزارساله، به رضاخان هم تاختند و در آن ایده حکومت اسلامی و ضرورت قیام برای تشکیل آن را مطرح ساختند.

در دوران مرجعیت آیت الله بروجردی امام از طرف ایشان عضو هیات مصلحین بودند که مأموریت اصلاح حوزه را داشت و باعث تحولاتی در حوزه شدند. در مسائل گوناگون مورد مشورت آیت الله بودند، مخصوصاً مسائل مربوط به حکومت. یک بار در ۱۳۲۹ از طرف آیت الله بروجردی برای جلوگیری از اعدام عده ای به دیدار شاه رفتند. در مهرماه ۱۳۴۱ لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی مورد تصویب دولت قرار گرفت که طبق آن سه شرط مسلمان بودن، سوگند به کلام الله مجید و مرد بودن رای دهندگان و انتخاب شوندگان حذف شده بود تا زمینه حضور بهائی ها فراهم شود. امام در تلگرافی به علم نوشتند: «مجدداً به شما نصیحت می کنم که به اطاعت خداوند متعال و قانون اساسی گردن نهید، و از عواقب وخیم تخلف از قرآن و احکام علمای ملت و زعمای مسلمین و تخلف از قانون بترسید؛ و بدون موجب، مملکت را به خطر نیندازید؛ و آلا علمای اسلام درباره شما از اظهار عقیده خودداری نخواهند کرد.» پیام محکم امام در شرایط آن روز بی نظیر بود.

وی از سال ۱۳۴۱ ش مبارزه علنی علیه نظام سلطنتی پهلوی در ایران را آغاز کرد. حکومت وقت دو بار او را بازداشت کرد و بار دوم به ترکیه و سپس به عراق تبعید کرد. ۱۳ سال در حوزه علمیه نجف به رهبری مبارزان انقلابی و نیز تدریس و تألیف در علوم حوزوی و دینی پرداخت. در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ ش با گسترش مبارزات مردم به ایران بازگشت و بعد از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ش تا آخر عمر (۱۴ خرداد ۱۳۶۸ ش)، رهبر جمهوری اسلامی ایران بود.

نظریه ولایت مطلقه فقیه که نظریه ای فقهی-سیاسی مبتنی بر باورهای تشیع است، مهمترین نظریه او است. وی تلاش کرد حکومت جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن را بر اساس همین نظریه شکل دهد. از نگاه امام خمینی حکومت، فلسفه عملی تمامی فقه است. نگاه حکومتی او به فقه باعث شد تا وی ضمن تأکید بر حفظ چارچوب فقه سنتی، به نوآوری در اجتهاد معتقد شود. نظریه نقش زمان و مکان در اجتهاد و برخی فتاوی تأثیرگذار او را می توان نتیجه همین نگاه دانست.

آثار

سیر تالیفی امام از مسائل عقلی آغاز گردیده و در زمینه اخلاقیات، فقه و اصول ادامه یافته است. در حدود ۲۷ سالگی کتاب مصباح الهدایه را به رشته تحریر درآوردند که بعضی از علمای بزرگ معاصر بر آن حاشیه زده اند. در ۲۹ سالگی شرحی بر دعای ماه رمضان نگاشتند و بعد آن کتاب اربعین حدیث، علاوه بر آن ۲۱ عنوان کتاب دیگر نگارش کرده اند که برخی از آن ها عبارتند از: اسرار الصلوه، کشف اسرار، شرح حدیث جنود عقل و جهل، آداب الصلوه، تحریر الوسیله، توضیح المسائل، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، مبارزه با نفس یا جهاد اکبر. امام امت تا پایان عمر قاطعیت و تغییرناپذیری خود را حفظ نمود. او با پایان دادن به جنگ با صدام که به طور مداومی ناراضیاتی مردم را افزایش می داد مخالفت می کرد. تنها زمانی که ورق جنگ در سال آخر آن برگشت و نیروی های آمریکایی هواپیمای مسافربری ایران را سرنگون کردند امام خمینی به تعبیر خود «جام زهر را نوشید» و آتش بس را پذیرفت. در این زمان دیگر آرزوی وی برای سرنگونی صدام دست نیافتنی بود. هرچند خمینی در ابتدا قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر آتش بس بین ایران و عراق را رد کرده بود، در اواسط تیر ماه سال ۱۳۶۷ که علی اکبر رفسنجانی که به تازگی جای علی خامنه ای را به عنوان فرمانده جنگ گرفته بود خمینی را راضی نمود که امیدی به ادامه این جنگ نیست و خمینی سرانجام با پذیرش قطع نامه موافقت کرد. علت اصلی مرگ سید روح الله خمینی «ایست قلبی» اعلام شد، بنا به گفته محمدحسین خوشنویس، عضو گروه پرستاری از خمینی، «او در یک ماهه آخر حیات به سرطان معده مبتلا شده بود و پس از دومین مرتبه تزریق داروی شیمی درمانی، دچار سکتة وسیع قلبی شد و روح بزرگ مرد قرن، برای همیشه آرام گرفت.

منابع: (۱) سایت اینترنتی جامع امام خمینی (ره)

(۲) سایت اینترنتی ویکی شیعه

(۳) سایت اینترنتی ویکی پدیا

رضا نیک آبادی/ کارشناسی آموزش عربی



نگاهی مختصر به زمینه های انقلاب اسلامی ایران و به حکومت پهلوی



سپاس خداوندی را که بر ملت ایران منت نهاد و آن را در میان جهانیان عزیز و شریف گردانید و نعمت بسیار ارزانی داشت. و درود خداوند بر این ملت خداجو و مومن و آزاده و بر امام قلب های آنان، معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و بر روان پاک و بلند شهدای راه حق. در چهل دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران می خواهیم در نوشته‌ای کوتاه به دو مورد که مرتبط با هم هستند بپردازیم.

زمینه های پیدایش انقلاب اسلامی ایران
ملت ایران و فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی: هویت و فرهنگ غنی و رسوم پاک ایرانیان به گواهی تاریخ، کاملاً روشن است. برای مثال می توان به حجاب زنان ایرانی در آثار به جای مانده از زمان هخامنشیان اشاره کرد. با آمدن اسلام و به ویژه اسلام ناب و کامل و راستین، که مکتب امیرالمومنین بود و همچنین با مشاهده شخصیت و حکومت داری و اخلاق و رفتار حضرت علی علیه السلام، ایرانیان دریافتند که اسلام واقعا حق است و با آغوش باز، دین اسلام و مکتب اهل بیت را پذیرفتند و این کمک و رابطه دوطرفه موجب عزت اسلام و ایرانیان شد.

«آن چیزی که این کشور را و این مردم را در طول تاریخ حفظ کرده است فرهنگ است، نه سیاست و نه اقتصاد و نه نیروی نظامی. ما ده هزار سال فرهنگ بلا انقطاع داریم، این در حالی است که مثلاً نیروی نظامی ما چندبار در طول تاریخ منقطع یا ضعیف شده است. آن چیزی که باعث شد حفظ انسجام ایران شد به گونه ای که مثلاً عثمانی تجزیه شد اما ایران نه، اعتقادات و فرهنگ مردم بود به ویژه مکتب عاشورا»^۱.

استعمار و غارت ابرقدرت ها و ظالمان جهانی: سال ها غارت گرگ های عرصه جهانی مانند انگلیس، فرانسه و روسیه و بعدها آمریکا و همچنین تحقیرهای متمادی ملت ایران توسط آنها باعث خشم نفرت ملت ایران از این قدرت ها شده بود به گونه ای که ملت به طور روز افزونی بیدارتر می شدند و ماهیت این استعمارگران را بهتر می شناختند.

بی کفایتی و حماقت پادشاهان سلسله قاجاریه و پهلوی و اوضاع آشفته کشور در این دوران: ایران در زمان صفویه از لحاظ پیشرفت مادی فاصله کمی با انگلستان داشت و در صورتی که قوی تر می شد و حکومت های بعدی حکومت های آگاه و مقتدری بودند و افراد شایسته بر سر کار می آمدند، ایران هرگز دچار این عقب ماندگی آن هم در زمان انقلاب صنعتی نمی شد. شاهان قاجار پادشاهانی بی لیاقت بودند و بیشتر از کشور داری به فکر حفظ حکومت خویش بودند و انگار پس از بارها خیانت کشور های غربی در قرارداد های ننگینی چون گلستان، ۱۹۱۹ و ... این غارتگران را نشانخته بودند. این باعث غارت ایران توسط حکومت هایی

۱- بر گرفته از گفته هایی از علی اکبر ولایتی



مانند انگلیس و همچنین باز ماندن ایران از پیشرفت شده بود. این عوامل موجب جدایی مردم از این حکومت های بی لیاقت شده بود. در بخش های بعد به حکومت پهلوی خواهیم پرداخت.

اتفاقات و نقاط عطف تاریخی و وجود نخیشان در کشور: وجود افراد آگاه و دلسوز و متعهدی چون امیرکبیر و برخی علما مانند میرزای شیرازی، آیت الله طباطبائی، آیت الله خالصی زاده، شیخ فضل الله نوری، آیت الله مدرسو... و یا افرادی چون دکتر مصدق، ملک الشعرای بهار و... و مجاهدانی چون میرزا کوچک خان و رئیسعلی دلواری و... در دوره های گوناگون قاجاریه؛ باعث بیداری هرچه بیشتر ملت شد. همچنین نقاط عطفی در تاریخ معاصر و پیش از انقلاب رخ داد که پشتوانه ها و زمینه سازان محکمی برای انقلاب اسلامی ایران شد. از این دست می توان به تاسیس مدارس نوین به همت آگاهان، تحصیل کردگان و دلسوزانی چون امیرکبیر، میرزای رشديه و...، فتوای مهم تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی، رخداد بسیار مهم و تاریخی مشروطه، نهضت ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق اشاره کرد. زمینه های دیگر انقلاب اسلامی ایران در ارتباط با حکومت پهلوی است که در بخش بعدی به طور چکیده به آن پرداخته شده است.

نگاهی به حکومت پهلوی و ارتباط با شکل گرفتن انقلاب

بنیان و چگونگی روی کار آمدن پهلوی: شاید شنیده باشید که حکومت پهلوی و رضا خان، دست نشانده انگلیس هستند. بله متأسفانه این اتفاق برای کشوری با تمدن چندهزار ساله افتاد. با انعقاد قرارداد ننگین ۱۹۱۹ در سال ۱۲۹۸ شمسی



عزای اهل بیت و نماز جماعت های باشکوه مخالفت و مقابله می کردند و این نمونه آشکار ظلم به یک فرهنگ درست و یک ملت است.

در این دوره اقتدار نظامی ایران پوشالی بود به طوری که نیروهای انگلیس و روس با وجود اعلام بی طرفی ایران، جنوب و شمال کشور را به آسانی اشغال کردند و جنایت های بسیار کردند. همچنین بر اثر غارت ها و طوطنه های انگلیس آن قحطی بی سابقه شهریور ۲۰ پیش آمد که طبق اسناد تاریخی موجب جان باختن میلیون ایرانیان شد. رفته رفته و با سرکوب خوانین ایلات گوناگون رضاخان قدرت بیشتری گرفت. همچنین رضا خان کم کم داشت از مقاصد انگلیس فاصله می گرفت که بر اثر این عامل توسط انگلیسی که به او کمک کرده بود، کنار گذاشته شد و پسرش محمدرضا را که از رضاخان بی لیاقت تر بود به جای او نشاندند که از کمترین صلاحیت های حکمرانی ایران بی بهره بود.

با تلاش های آگاهانه و مجاهدانه مرحوم دکتر مصدق و ملی شدن صنعت نفت، روحیه استقلال ملت تقویت شد و شاه از کشور خارج شد. اما بر اثر بی لیاقتی و وابستگی شدید محمدرضا پهلوی، ابرقدرت جدید یعنی آمریکا وارد معادلات ایران و دخالت در آن شد و در ۲۸مرداد سال ۳۲ شمسی کودتایی ننگین و آمریکایی-انگلیسی برای بازگرداندن شاه به وقوع پیوست و پس از این اتفاق کینه آمریکا نیز مانند انگلیس در دل مردم ایران رفت. همچنین پس از این جنایت شاه گستاخ تر شد و دوره اختناق شدیدی به وسیله ساواک در کشور ایجاد شد. در دهه ۴۰ شمسی بود که انقلاب سفید و اصلاحات آمریکایی و همچنین لایحه ننگین کاپیتولاسیون توسط شاه در ایران انجام شد که اعتراضات شدید علما و نخبگان در راس آنها امام خمینی و همچنین مردم را در پی داشت. بحث اصلاحات ارضی در ظاهر برای رعیت بود ولی یک کار ظالمانه و در حقیقت برای نابود کردن کشاورزی ایران برای وابستگی به آمریکا بود.

از دیگر زبان های آمریکا و رژیم طاغوت به ملت می توان به هزینه های هنگفت برای خرید سلاح آن هم بدون انقال فناوری و یادگیری اشاره کرد.

دستگیری امام در سال۴۲ موجب اعتراضات مردمی در شهرهای مختلف شد و رژیم پاسخ آن را با گلوله و شهید کردن جوانان وطن داد.

مواردی آشکار از ظلم نظام طاغوت که تاکنون شرح داده شد شامل وابستگی سیاسی و نظامی، سرکوب اعتراضات به حق مردمی و فضای خفقان و نبود آزادی بیان، مشکلات فرهنگی عمیق و گسترده که در تضاد با فرهنگ اسلام و ایران بود و در بحث پهلوی اول شرح داده شد، عقب ماندگی در علم و فناوری، سپردن نفت و سرمایه های کشور به بیگانگان و علاوه بر اینها فساد گسترده اقتصادی و ریخت و پاش های خاندان سلطنتی و فقر مردم بود. همه این موارد از زمینه های پیدایش انقلاب اسلامی ایران و باعث جمع شدن انبوه نارضایتی و خشم مردم شد. این خشم در ۱۹ دی ۱۳۵۶ با توهین یک روزنامه رژیم به امام فوران کرد و پس از آن ۱۷ شهریور خونین و اعتراضات گسترده به وقوع پیوست. سخنرانی های کوبنده و آگاهی بخش نخبگان و در راس این جریان، امام خمینی باعث رشد و آگاهی و هدایت درست مردم می شد. از نخبگان این دوران می توان به آیت الله خامنه ای، آیت الله مطهری، آیت الله دکتر بهشتی، دکتر شریعتی، آیت الله طالقانی، باهنر و... اشاره کرد.

هنر انقلاب الهی اسلامی و ملی مردم ایران به رهبری امام خمینی، قطع دست بیگانگان و غارتگران برای همیشه از کشور، تقویت روحیه خودباوری و توانایی و استقلال و آزادی در ملت و زنده کردن و گسترش فرهنگ عالی اسلامی-ایرانی و فرهنگ مقاومت بود و هویت بخشی به ملت بود.

الحمدلله رب العالمین و درود بی پایان پروردگار بر محمد و آل محمد این الگوهای عالی انسانیت و الهام بخش راه حق.

محسن حسنونند/ کارشناسی آموزش ابتدایی

«یادی از یک انسان»

جهان را بلندی و پستی تویی
ندانم چه ای؟ هرچه هستی تویی...!

ترم نو شروع شده و نامی از تو نیست ؛ تویی که سراسر شور و شادی بودی . نامت سپیده دمی است که بر پیشانی آسمان می گذرد و یادت چون حریری نرم ، حسرتی از آه و سکوت را بر چهره معصوم و پاک همه نمایان می سازد؛ حسرتی که ناشی از نبود سرزندگی و شادابی تو در میان ماست. در میان همگی دوستان و آشنایان ، دانشجویان، همکاران، اساتید و همه و همه....

نام نیکو گر بماند ز آدمی

به کز او ماند سرای زرتگار



آری سخن از یک انسان است که وظیفه ی دشوارش را ، رسالت انسانی اش را و تمام هستی اش را صرف مهرورزی می کرد و یاد گرفته بود که چون خورشید ، روشنی بخشی و گرمی اش را از هیچ کس و هیچ جا و در هیچ زمانی از همه ، دوست و آشنا دریغ نکند .

آری ، افسوس و هزاران افسوس ! سخن از نازنینی است به نام سیروس مرادی زاده که دیگر جز تصویری از چهره ی بشاش و خنده های زیبای او در یادها نیست ! بلی ، تا بودی از تو آموختیم که انسان باشیم و برخورد انسانی با هم نوع مان را رعایت کنیم و رفتنت نیز به گونه ای بود که حتی با نبودنت نیز درس انسانیت به ما دادی ؛ درسی به شیوه ضمنی و غیر صریح که تأثیرش بر ما دو چندان بود ، رفتنت به ما آموخت که اگر اندکی به خود آیم می بینیم که این دنیا هیچ بها و ارزشی ندارد و هیچ چیز به جز خوبی و نیکنامی از یک انسان به جا نمی ماند . خوشا به سعادتی که تو یافتی که اینگونه همه در حسرت نبودنت از جان و دل غمناک اند و یادت برای همیشه در دلهای زلال ساری و جاری است. مفهوم انسانیت برای ابنای بشر تنها با رفتار ، کردار و گفتار انسان هایی چون تو به زیبایی تفسیر و تعبیر می گردد . تو چوایی زندگی را برای خود و دیگران به روشنی به تصویر کشیدی و بیان کردی ، تا من انسان ، دانشجو یا همکار ، اندکی به خود آیم و تلنگری به ذهن و زبانم وارد شود که همه دیر یا زود ، روزی از میان یکدیگر رخت خواهیم پرست و همه چیز برای انسان قابل حل خواهد بود الا مرگ ! و به گفته فردوسی بزرگ :

همه کارهای جهان را در است مگر مرگ کان را دری دیگر است

و یا سعدی شیرین سخن نیز چه زیبا می گوید که :

بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت برآید که ما خاک باشیم و خشت

بله ، مرگ «داد» است و به گفته عموم عامه ، مرگ «راه حق» است. چراکه برای همه ی ابنای بشر یکسان عمل میکند ؛ نه ثروتمند می شناسد و نه دانشمند ، نه فقیر و نه زورگو ، نه پیر و نه جوان . آری «دم مرگ چون آتش هولناک / ندارد ز برنا و فرتوت پاک ». بلی ، مرگ حق است اما بی گمان مرگ جوانان و عزیزان و کسانی که انسانیت را چون تو رعایت میکنند ناحق و حسرت بار ! تویی که تندباد قضا و سرنوشت از کنج نامرادی بر ترنج نارسیده ات زد و گل وجودت را از باغ سرسبز بهاران گرفت . تو اسطوره اخلاق و خوشرویی گشتی و شدی ، نه چون غنچه ای یا گلی ! راست بدان گونه که شهیدی تا همگی بر آن نماز برند و چون بهاری چهار فصل که عطر آموزش تو در ذهن سیال ما لحظه به لحظه و برای همیشه چون چشمه ساران دامنه های کوههای سرسبز بهاری جاری می سازد و به ما نشان می دهد که یادی از یک انسان چقدر می تواند حتی پس از مرگ او به ما درس انسانیت و انسان بودن بدهد . مرگ تو نوعی زندگی و دمیدن روح انسانی در فصل رستن ها و شکفتن های انسانیت بود . آری مرگ تو حق است و نیازی به بیداد و زاری ندارد ، چونکه هستی و جانت همچنان در میان ما زنده است و زندگانی می کند و نگاهت برای احقاق حق بودندت ، هر دم راهی نو را می جوید و همواره و نو به نو به ما ندایی و پیامی دیگرگونه می گوید که ناگاه ؛

اگر تندبادی بر آید ز کنج

به خاک افکند نارسیده ترنج

ستمکاره خوانیمش از دادگر

هنرمند دانیمش ار بی هنر

اگر مرگ داد است بیداد چیست؟؟؟

ز مرگ این همه بانگ و فریاد چیست ؟؟؟

دکتر کامین عالی پور



دیگر که با نظامهای گوناگون زندگی میکنند، مقایسه کنیم، بله پیشرفت کرده‌ایم؛ اما اگر خودمان را مقایسه کنیم با آنچه که اسلام به ما گفته است و از ما خواسته است، نه، ما هنوز خیلی فاصله داریم و باید تلاش کنیم. این تلاش به عهده‌ی کیست؟

این تلاش به عهده‌ی مسئولان و مردم - با هم - است. ما در صنعت هسته‌ای پیشرفت کردیم. که غنیسازی بیست درصد محصول سال ۹۰ است. این غنیسازی بیست درصد، همان چیزی است که در سال ۸۹ آمریکاییها و دیگران برای تولید آن شرط گذاشتند. ما میباید برای مرکز اتمی آزمایشگاهی تهران که مال رادیوداروهاست، اورانیوم غنیشده‌ی بیست درصد تهیه میکردیم؛ چون سوخت بیست درصدمان تمام شده بود. با وجود این همه مشکلات، این همه مانع‌تراشیها، جوانان ما گفتند خودمان درست میکنیم. در سال ۹۰ اورانیوم غنیشده‌ی بیست درصد را اینها برای سایت هسته‌ای تهران تولید کردند و آن را به دنیا اعلام کردند؛ دشمنان ما ماندند متحیر! با اینکه میدانند مرکز هسته‌ای تهران مخصوص رادیوداروهاست - یعنی برای نیاز بیمارستانها و آزمایشگاههای ما در سرتاسر کشور است و هزاران بیمار به این رادیوداروها احتیاج دارند - درعین حال نمیدادند، نمیفروختند، شرط میگذاشتند، باجگیری میکردند. جوانان ما خودشان آن را تهیه کردند. کار پیچیده‌ای هم بود، کار سختی هم بود، اما از عهده برآمدند و انواع و اقسام رادیوداروها الان در همین مرکز تهران با سوخت داخلی تولید میشود. این مال سال ۹۰ است. در سال ۹۰، در همین صنعت هسته‌ای، تولید صفحه‌ی سوخت را در کشور انجام دادند؛ که اگر من بخواهم آن را هم شرح بدهم، طولانی میشود.

منابع: [بخشی از سخنان رهبر انقلاب در سال ۱۳۷۵]

امیر محمد آریا نژاد/ کارشناسی آموزش عربی



معنویت اسلام راه دارد به دنیا معرفی میکند و موفق شد. علیرغم همه‌ی دشمنیها ما موفق شدیم. انقلاب اسلامی روح غرور اسلامی راه، روح افتخار و تفاخر به اسلام را در مسلمانها زنده کرد. آن‌ها با این دشمنند، با این مخالفند. شما ببینید ارتش ایران را در چه شرایطی به وجود آوردند؛ چگونه تربیت کردند و با چه شرایطی این‌ها را رشد دادند. شرایط، کاملاً شرایط ضد مذهب بود. آن وقت همین ارتش، در نیروی هوایی، در نیروی زمینی، در نیروی دریایی، یک سال و نیم تا دو سال بعد از پیروزی انقلاب که جنگ شروع شد، کارهایی کرد و جلوه‌هایی نشان داد که حقیقتاً محیرالعقول است. جوانهایی که بمباران‌ها و حملات هوایی اول جنگ را با هواپیماهای خود به وجود آوردند، تربیت‌شده‌های ارتش سابق بودند؛ اما جوهر معنویت، خلوص و صفا در این‌ها بود.

یکی از شاخصهای مهم، عدالت است. ادعای بنده این است که ما در این زمینه پیشرفت کرده‌ایم؛ البته نه به قدری که میخواهیم. اگر خودمان را با وضع قبل از انقلاب مقایسه کنیم، پیشرفت کرده‌ایم؛ اگر خودمان را با بسیاری از کشورهای

در دوره‌های قبل از جمهوری اسلامی، همیشه ایران تجزیه شد و همیشه از ایران کُندند. هیچ کدام از سلاطین پهلوی و قاجار، این افتخار را ندارند که بتوانند بگویند ما مرزهای ایران را حفظ کرده‌ایم. قاجارها که وضعشان معلوم است. پهلوی‌ها هم، شهرهای مرکزی ایران را سالها زیر چکمه‌ی سربازان خارجی انداختند و زن و مرد و ناموس این کشور را به دست آن‌ها دادند. تنها جمهوری اسلامی بود که مردانه ایستاد و نگذاشت که متجاوزین یکقدم جلو بیایند. هشت سال جنگ مگر شوخی است؟! هشت سال جنگ و آن همه فداکاری! جوانان ما در مقابل اتحاد شرق و غرب و «ناتو» و همه و همه مقاومت و ایستادگی کردند و میهن را نجات دادند.

آن چیزی که مقتضای مسلمان بودن و ایرانی بودن ماست، کجاست؟! نظامی اسلامی، به برکت انقلاب و به برکت دولتمردان خدوم و زحمتکش، به سرعت به سمت جایگاه برجسته‌ای که متناسب شخصیت این ملت است، میرود. انقلاب اسلامی، انقلاب اسلام است، انقلاب قرآن است، برافراشتن پرچم اسلام است. انقلاب اسلامی افتخارش این است که ارزشهای اسلامی راه، توحید راه، احکام الهی را و ارزش

دستاوردهای انقلاب اسلامی براساس بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

استقلال در تصمیم‌حفظ تمامیت ارضی کشور، و رساندن ایران به عزت و کرامت لایق خود

ارتقاء جایگاه ایران در جهان، صدور شعارهای انقلاب و الهام‌الهام بخشی به حق‌طلبان عالم!

گسترش آزادی‌های عمومی، تشویق جوانان به آزاداندیشی و طرح آزاد مباحث

پیشرفت در معنویات و امکان سیر تکاملی در فضای انقلاب

گسترش برخورداری های عمومی و امکانات مادی

در مقایسه با پیش از انقلاب و کشورهای هم تراز

اهتمام به مبارزه با فساد و برخورد با عوامل فساد

پیشرفت فوق العاده در علم پزشکی و داروسازی

رشد علمی و صنعتی

فن آوری هسته‌ای

